

(تبیین اهمیت تسهیم دانش در آموزه های اسلامی)

سمیرا دلبری ۱ و دکتر رضا هویدا ۲

۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، ایران
delbari.samira@yahoo.com

۲ عضو هیأت علمی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، ایران
r.hoveida@edu.ui.ac.ir

چکیده

تحولات شگفت انگیز در فناوری های نرم و سخت موجب شده است تا حرکت جامعه بشری در همه عرصه ها، به سمت "جامعه دانش محور" سرعت بگیرد و عباراتی نظیر "اقتصاد دانش محور"، "عصر اطلاعات و دانش" همگی دلالت بر این موضوع دارند که دانش منبع اساسی قدرت بوده و کسب قدرت و ثروت در جهان امروز مرهون تولید علم و دانش و مدیریت آن است. با مراجعه به منابع اسلامی و تاریخی می توان دریافت که دین اسلام، به تحصیل، نگه داری، به کارگیری و انتشار دانش، اهمیت داده که محصول آن، جمع آوری، ثبت و نگه داری مستندات دینی، نشر و ترویج معارف اسلامی در موضوعات گوناگون است. بر این اساس، در این پژوهش سعی شده است به روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به داده های جمع آوری شده و مبانی نظری و استخراج عوامل و شاخص های اولیه از منابع کتابخانه ای و اینترنتی شامل کتب و مقالات به بررسی اهمیت فرآیند مدیریت دانش و مخصوصاً تسهیم دانش در آموزه های اسلامی (قرآن و حدیث) پرداخته شود. واژه های کلیدی: آموزه های اسلامی، مدیریت دانش، تسهیم دانش

Explaining the importance of knowledge sharing in Islamic teachings

samira, delbari¹; Dr reza, hoveida²

¹ PHD Student of Educational Management, University of esfahan, Iran

² Faculty of University of esfahan, Iran

Abstract

The amazing developments in soft and hard technology have caused the movement of human society Accelerate in all areas, to the "knowledge-based society" Phrases such as "knowledge-based economy", "information and knowledge age", all this subject indicate that knowledge is power and gaining power and wealth is needed the science and knowledge and the management of it, in these days. Referring to the Islamic and historical sources it can gotten that the religion of Islam is important to the keep studying, applying and disseminating knowledge, that its products are, the religious documentation that are collected, maintained and registered and also the publication and promotion of education in various subjects. Accordingly, in this research a descriptive-analytical method has been tried and relying on the data collected and the theoretical basics and mining agents and basic indicators from a library and Internet resources including books and papers to examine the importance of the process of knowledge management and knowledge sharing, especially in Islamic teachings (the Qur'an and the Hadith) be addressed.

Keywords: knowledge management, knowledge sharing, Islamic teachings

مقدمه

اگر روند تغییر و تحولات دانش در جامعه معاصر بدقت مورد ارزیابی قرار گیرد، این نتیجه مهم به دست می آید که جامعه فرا صنعتی امروز جامعه ای اطلاعاتی است که در آن بتدریج فناوری های نیرو افزا جای خود را به فناوری های دانش افزا می دهند (احمدپور داریانی، ۱۳۸۱). انسان بی دقت و فراموشکار است اما از سوی دیگر فطرتاً به خوبی و تکامل میل دارد، بنابراین مدیریت دانش کارآمد و ناکارآمد می تواند او را به سمت موفقیت یا شکست سوق دهد؛ به عبارت دیگر انسان همواره در زندگی خود با موانعی رو به رو است و به این دلیل به طور مستمر در جستجوی حل مسائل و ارزیابی وضعیت به عنوان رویکردی یکپارچه و به روز کردن تحقیقات علمی و دانش است. از سوی دیگر دانش ابزار اصلی رقابت پذیری سازمانها و جوامع در دنیای امروز نیز هست و مدیریت دانش ۱ به عنوان مجموعه عواملی است که به سازماندهی بر مبنای شناخت، مشخص کردن، ذخیره و بهره برداری از دانش به نحو مقتضی می پردازد (اخوان و جودی، ۱۳۹۱). "دانش" در هزاره سوم به عنوان ابزاری برای حذف یا حداقل کاهش فاصله بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه مورد توجه سازمان های بین المللی و دولت های ملی قرار گرفته است و برای دستیابی به توسعه مبتنی بر دانایی، مدیریت دانش یک رکن اساسی به شمار می رود. چنانچه دانش به صورت اصولی مدیریت نشود و دانش فردی به دانش جمعی تبدیل نگردد نمی توان دانش را به عنوان رکن توسعه قلمداد کرد. بنابراین مدیریت دانش به عنوان یک ضرورت برای دولتمردان و دست اندرکاران مدیریت و برنامه ریزی برای توسعه در سطح ملی و بین المللی مطرح است. مدیریت دانش در سازمانها نیز جایز اهمیت می باشد و باعث می شود تا تشکیلات اقتصادی، منابع سنتی و قابلیت ها را به یک شیوه ی نوآورانه، یکپارچه کند و ارزش بیشتری را برای مشتری در مقایسه با رقبا ایجاد کند.

اگر چه دانش برای هر سازمانی به عنوان یک مزیت رقابتی به شمار می رود اما، در سال های اخیر شعار؛ دانش، قدرت است به شعار؛ تسهیم دانش ۲، قدرت است تغییر یافته است و یکی از اهداف اصلی مدیران، استفاده از مدیریت دانش در سازمان ها، بهبود تسهیم دانش بین افراد در سازمان و هم چنین بین افراد و سازمان به منظور ایجاد مزیت رقابتی می باشد. تسهیم دانش مؤثر بین اعضای سازمان منجر به کاهش هزینه ها در تولید دانش، و تضمین انتشار بهترین روش های کاری، در داخل سازمان شده و سازمان را قادر به حل مسائل و مشکلات خود می نماید (میرغفوری و دیگران، ۱۳۸۹). تسهیم دانش یک امر حیاتی برای سازمان هاست (هسیو، ۲۰۰۸). زیرا که آنها را برای توسعه مهارتها و شایستگی ها، ارزش ها و تداوم مزیت های رقابتی توانا می سازد (جی ال و هانگ، ۲۰۰۹). پژوهش های قابل توجهی که در این باره انجام شده اند به پیش نیاز بودن تسهیم دانش در توسعه محصولات، خدمات و تکنولوژی های جدید تأکید دارند (رنزل، ۲۰۰۸).

اسلام، کاملترین ویژگیهای معرفتی را دارد و پویایی جوامع اسلامی، تحقق هدف غایی از آفرینش و دستیابی به مقام خلافت الهی در گروی ساختار دانش بنیان و خدا محور آن قطعی و مسلم است؛ اما اثبات این مدعا برای دگر اندیشانی که در پی ساختاری برای رسیدن به حقیقت هستند، نیازمند دلائل و برهان های محکم و مستدل است. حفظ توانایی دین در اداره جوامع بشری در سایه گسترش علوم به همراه پاسخگویی مناسب به نیازهای مردم نیز اهمیت خاص دارد. ابزاری مناسب برای تحقق این معنا، بهره گیری از مدیریت دانش است چرا که نفس علم اندوزی در اسلام اهمیت بسیار دارد، علاوه بر فتح نظامی، تولید و نشر علوم مختلف بشری نظیر کیمیا توسط مسلمانان و روابط اجتماعی و مبادلات فرهنگی و اقتصادی در طول تاریخ از علل و اسباب ایجاد روابط با دیگر ملت ها و دین ها بوده است. امروزه با توسعه ابزارهای ارتباطی و با وجود سرمایه گذاری ها و تلاش ها در زمینه رسانه و اطلاع رسانی از طریق اینترنت، ماهواره، کتابها... و جوسازی علیه دین، بحث عرضه اسلام و دفاع از ارزشها و اصول اعتقادی و اخلاقی مبتنی بر آن، انگیزه ای شد که این مقاله به بیان اهمیت عرضه و انتشار دانش از دیدگاه اسلام

¹ Knowledge Management

² Knowledge Sharing

³ Hsu

⁴ Ji L & Hung

⁵ Renzl

و قرآن پردازد. محققان دیگری نیز در این زمینه به تحقیق و بررسی پرداخته اند. از جمله؛ منطقی و ادبری (۱۳۹۲) به تبیین "مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی" و یاکوب (۲۰۱۱) به بیان "مدیریت دانش از دیدگاه اسلامی" پرداخته اند. همچنین کشاورزی و یکتایی (۱۳۹۱) در مقاله "رفع موانع تسهیم دانش در سازمان بر پایه آموزه های اسلامی" راهکارهای رفع موانع تسهیم دانش در سازمانها بر اساس آموزه های اسلامی را اینگونه معرفی می کنند: مدیریت زمان، دانش سودمند، انفاق دانش، تجربیات کاری، اعتمادسازی، ارتباطات، تقوا مداری، نظم همه جانبه، عدالت محوری، نسبی نگری، قدر شناسی، گذشت، تواضع و حسادت گریزی. تولایی (۱۳۸۹) به "بررسی مفهوم دانش در منابع اسلامی" و بخشی (۱۳۹۱) به تبیین "مدیریت دانش از دیدگاه اسلام" پرداخته اند. در این مقالات این فرض تأیید شد که جامعه اسلامی جامعه ای دانش بنیان است و بین مفاهیم مدیریت دانش و مفاهیم اسلامی ارتباط وجود دارد. همانگونه که بیان شد پژوهش هایی در زمینه مدیریت دانش از دیدگاه اسلام صورت گرفته است ولی تاکنون پژوهشی در زمینه ی اهمیت تسهیم دانش در آموزه های اسلامی (قرآن و احادیث معصومین) صورت نگرفته است لذا در این مقاله سعی می شود به این مهم پرداخته شود.

مفهوم دانش، مدیریت دانش و تسهیم دانش

دانش عبارت است از داده و یا اطلاعاتی که سازماندهی و پردازش شده تا حامل یک فهم، تجربه، آموخته و اندوخته، و تخصصی باشد که قابلیت به کارگیری برای حل یک مشکل کاری موجود را دارد (مارتنسون، ۱۳۷۹، ۱: ۴۱). مدیریت دانش در مفهوم اصلی خود سابقه ای به اندازه شناخت، یادگیری و یاددهی در انسانها و جوامع بشری دارد مدیریت دانش عبارت است از راهبرد فراهم کردن دانش مناسب، برای افراد مناسب، در زمان مناسب، و کمک به آنها برای تسهیم دانش و به کارگیری عملی اطلاعات به منظور بهبود عملکرد سازمان (اودیل و گریسون، ۱۹۹۸، ۲: ۱۹۹۸). مدیریت دانش را می توان مفهومی برای توصیف فرآیندهایی دانست که از طریق آن سازمانها به توسعه، سازماندهی و تسهیم دانش با هدف خلق ارزش و دستیابی به مزیت رقابتی می پردازند (مک ادام و مک کریدی، ۱۹۹۹، ۳: ۱۹۹۹). مدیریت دانش به عنوان ابزار مدیریتی، مسئول اجرا و ارزیابی هدفمند دانش است که در نهایت به توسعه سازمان با استفاده از دانش داخلی و خارجی برای افزایش کارایی لازم، منجر می شود. به منظور اجرای استراتژی های دانشی، مدیریت دانش تمامی ظرفیتهای انسانی، سازمانی و فناوری مناسب برای بهینه نمودن رقابت و ارتقای استعداد جمعی در سطح سازمان را به کار می گیرد (اخوان و جودی، ۱۳۹۱: ۱۸). فعالیت های مدیریت دانش در چهار فعالیت کسب دانش (یادگیری، خلق، و شناسایی)، تجزیه و تحلیل دانش (ارزیابی و اعتبار سنجی)، حفظ دانش (سازماندهی، نمایش و نگهداری) و استفاده از دانش (کاربرد، انتقال و تقسیم) دسته بندی می شود (واتسن، ۲۰۰۳، به نقل از اخوان و جودی، ۱۳۹۱).

به این معنا که مدیریت دانش عبارت است از راه هایی برای ایجاد، نوآوری و ذخیره دانش سازمانی، انتقال آن به کارکنان و مشارکت آنها در این فرآیند. هدف از این فرآیند بهره برداری از دانش سازمانی همراه با به کارگیری امکانات و تجهیزات جدید و فناوری اطلاعات تا حداکثر ممکن برای انجام کارها و وظایف در سازمان است (نعیم ابراهیم الظاهر، ۲۰۰۸، به نقل از اخوان و خادم الحسینی، ۱۳۹۲). با ملاحظه تعاریف مدیریت دانش ذکر شده می توان گفت تسهیم و انتشار دانش جزء جدا ناشدنی و ضروری مدیریت دانش است؛ تسهیم دانش، به عنوان؛ فعالیت های ارسال و توزیع دانش از یک فرد، گروه و یا سازمان به فرد، گروه و یا سازمان دیگر عنوان شده است (لی، ۲۰۰۱، ۴: ۳۲۴). از طریق تسهیم علم در سازمان، دانش شخصی تبدیل به دانش سازمانی می شود و نوآوری سازمانی را ترغیب می کند این باعث می شود سازمان ها به صورت رقابتی باقی بمانند.

^۱ Martinson

^۲ O'Dell & Grayson

^۳ McAdam, R. and McCreedy

^۴ Lee

تسهیم دانش به صورت دو کنش در نظر گرفته می‌شود: (۱) انتقال و فرستادن یا عرضه دانش به یک گیرنده بالقوه (۲) جذب دانش توسط آن فرد یا گروه (تاکچی و نوناکو، ۱۹۹۵). اطلاعات و جریان های دانش در سازمان های امروزی حیاتی هستند هنگامی که دیگران دانش خود را با افراد به اشتراک می گذارند، دانش افراد گسترش می یابد و دانش جدیدی ایجاد می شود. هنگامی که اطلاعات بین اعضای یک سازمان یا اجتماع انتقال پیدا می کند استفاده از دانش در آن موقع ممکن می شود. وقتی اطلاعات تسهیم پیدا می کند، در واقع موفقیت ها، توافق ها، تجربه، احساس و اعتقادات، برنامه های عمل و غیره در این نقل و انتقالات بدست می آیند و در اشکال مختلف ظاهر می شوند (ولف، ۲، ۲۰۰۷: ۱۱۸).

اهمیت علم و دانش از دیدگاه قرآن

در هیچ مکتبی به اندازه دین اسلام به علم و عالم اهمیت داده نشده است؛ دانش مورد تأکید اسلام، دانش مؤثر در زندگی بشر است نه حجم انبوهی از داده های خام و اطلاعات غیرمفید. گرچه آیات الهی بتدریج و بسته به موقعیت ها و در هنگام رویدادهایی خاص در صدر اسلام نازل شده است تا به حل مطلبی و یا آشکارسازی ناشناخته ای بر پیامبر و امت نو مسلمان بپردازد، می توان و باید متناسب با اقتضائات و موقعیت های محیطی به تدبیر و تأمل در آنها پرداخت و احکام و راه حل های مسائل را در هر زمان از آنها استخراج کرد و کار بست این امر نشان می دهد که تمرکز و تأکید مدیریت دانش اسلامی بر سعادت عملی افراد بویژه در پاسخ به نیازهای بشری است. با وجود آیات بسیار در مورد دانش به تناسب بحث، آیاتی بیان می شود: در اولین آیات نازل شده قرآن (علق، ۱-۵) خداوند تأکید بر خواندن پیامبر می کند که این خود ویژگی اصلی و چارچوب دین اسلام را بخوبی نشان دهد؛ رشد و کمال انسان در سایه ی علم و دانش و دوری از جهل و نادانی به دست می آید و اسلام بر پایه ی علم بنا شده است و دانش باید حفظ شود و قلم و کتابت بهترین ابزار ثبت آن است. در میان همه مخلوقات هستی، خداوند بر انسان، علم اسمای خود را کرامت کرد و او را بر دیگران مزیت داد (بقره، ۳۱). این کرامت را با کتابهای آسمانی بویژه آخرین و کاملترین آنها کامل فرمود. از نشانه های این عطای الهی، آموختن قرآن به انسان است (الرحمن، ۱-۴). قرآن دانش را قرین با ایمان و لازمه دریافت مفاهیم و اسرار قرآنی (محکمت و متشابهات) و علم و دانش الهی را محور دانش می داند و این صفات را در خدا و راسخان در علم، آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات در پرتو علم الهی هستند، جمع می داند (آل عمران، ۷). و دانش را در کنار ایمان عاملی برای رشد و پیشرفت تدریجی می داند (مجادله، ۱۱). در مورد فضل علما بر دیگر انسانها اعلام می کند که هر کس را بخواهد به مراتب بلند می رساند تا مردم بدانند که فوق هر دانشمندی، دانشمندتری وجود دارد (یوسف، ۷۶). این نشان می دهد مصدر و منشأ دانش، خداست (انعام، ۵۹). قرآن ویژگی مدیر- رهبر شایسته ی پیروی را از زبان ابراهیم (ع) داشتن دانش می داند (مریم، ۴۳). و بیان می کند که دانایان و نادانان برابر نیستند و دانش را ملاک انتخاب افراد مناسب و شایسته برای احراز مناصب برمی شمرد (زمر، ۹؛ یوسف، ۵۵؛ بقره، ۲۴۷) و ثمره دانش را، به زبانی صریح، تقوا، اطاعت و بندگی، بیان می کند (فاطر، ۲۸) سرانجام آن کس که به جمیع این شرایط دست یافت به حکمت می رسد که به گفته خداوند توفیق دستیابی به آن در بینش اسلامی باید از جانب خودش و به واسطه فراهم آمدن مقتضیات و شرایط احراز آن در افراد اعطا گرد (بقره، ۲۶۹). در واقع بالاترین مرتبه ی علم و دانش را حکمت می داند.

تبیین مدیریت دانش از دیدگاه احادیث معصومین (علیهم السلام)

در دین مبین اسلام، علم به عنوان چراغ هدایت گر و وسیله ی باز شناسی حق از باطل و وسیله ای برای شناختن خود و در نهایت، خداشناسی است. نخستین نغمه های آسمانی وحی در اسلام، بیان کننده ارزش قلم و آموزش علم و دانش است و آن را از جمله نعمت های مهم خداوند معرفی می کند. معصومین و بزرگان دین اسلام با تعابیر مختلفی به مدیریت دانش اشاره کرده اند به عنوان مثال به دیدگاه پیامبر اکرم (ص) در مورد مراحل فرآیند اداره ی دانش اشاره می شود؛ پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: "اولین قدم برای آموختن علم، سکوت است. بعد از آن، گوش فرا دادن است بعد از آن، حفظ کردن و نگهداری داشته های علمی است. مرحله بعد عمل کردن به آنچه کسب کرده است و آخرین مرحله آموختن علم به دیگران و نشر آن است" (دشتی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۶).

¹Nonaka&Takeuchi

² Wulff

(۶۷۱). بنابراین فرآیند مدیریت دانش از دیدگاه اسلام دارای چهار مرحله؛ کسب دانش (سکوت و گوش فرا دادن)، حفظ دانش، کاربرد دانش و انتشار و تسهیم دانش می باشد. که احادیث دیگری نیز در تأکید این مراحل بیان شده است؛ در اهمیت و ضرورت کسب دانش و عدم فرقی جنسیتی در این خصوص: "طلب دانش بر تمام مسلمانان زن و مرد واجب و ضروری است" (همان: ۶۷۰). "علم بیاموزید زیرا فراگرفتن علم برای رضای خداوند، خداترسی است". "مرور و تکرار درس همانند تسبیح گفتن است". "در جستجوی دانش بودن هم پای صدقه دادن است". هر کس برای کسب دانش از خانه ی خود خارج شود تا زمانی که برگردد، مانند کسی است که در راه خدا سفر کرده است" (همان: ۶۷۴). "کسی که به دنبال علم است در طلب رحمت خداوند است. "طالب علم رکن اسلام است و پاداشش به مقدار پاداش پیامبران است". علم انیس انسان است. علم و دانش نور چشمان است و همچون چراغ برای دیدن در تاریکی هاست. علم جلودار و پیشوای عقل است "خیر دنیا و آخرت با علم بدست می آید". (مدنی تبریزی، ۱۳۶۹، ص: ۱۵). در مورد بکار بستن دانش و رابطه علم و عمل: "دانش پیشوای عمل است و عمل پیرو آن است" و "به این خاطر بدنبال علم و دانش بروید که پس از فرا گرفتن به آن عمل کنید" و "روز قیامت سخت ترین عذاب را دانشمندی تحمل می کند که به علمش عمل نکرده است" (دشتی، ۱۳۸۶: ۶۷۳). حضرت علی (ع) فرموده است: "ای مردم بدانید کمال دین طلب علم و عمل بدانست" (کلینی، ۱۳۴۸: ۳۵). امام باقر (ع) فرمود: "چون علم را شنیدید بکارش بندید". "دعوت کننده بی عمل چون تیرانداز بی کمان است" (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۷). و در جایی دیگر بیان کرده است: "آنان که اهل علم اند پیش از آنکه اجلشان فرا رسد باید به عمل پردازند" (همان، خطبه ۸۶). احادیثی در این زمینه نقل شده است از جمله: بیان فرآیندها و ابزارهای مدیریت دانش "قبل از اراده کردن مشورت کن و قبل از اقدام بیندیش" و "شخص بصیر کسی است که بشنود و بیندیشد و بدقت بنگرد و از عبرتها بهره گیرد". شرایط مرجع گرفتن عالم و اهداف دانش: "به دانشمندی نزدیکی جوید و علم را از عالمی فراگیرید که شما را از تکبر به تواضع از ریا به اخلاص و از شک به یقین و از رغبت و میل به دنیا به زهد و بی رغبتی و از دشمنی به خیرخواهی دعوت می کند". زندگی موفق در سایه دانش و کارایی آن از دیدگاه پیامبر اعظم (ص): "زندگی تنها برای دو کس خیر دارد؛ یکی عالمی که مردم از او اطاعت کنند و سخنانش را بپذیرند و دیگری شنونده ای که سخن علما را گوش کند و بپذیرد" (کلینی، ۱۳۴۸: ۴۰). فضیلت و اولویت دانش بر عبادت صرف و برتری صاحبان دانش در جامعه بشری: به فرموده امام باقر (ع)؛ "عالمی که از علمش بهره برند بهتر از هفتاد هزار عابد است"، "انسان اهل دانش با انسان اهل عبادت فاصله ای شگفت دارند"، "مانند پیغمبر (ص) که بر علما فضیلت و برتری دارد، انسان عالم هم از دیگران برتر است" (همان: ۵۸). می توان از روایات بررسی شده اینطور جمع بندی نمود که دانش سودمند پس از تحصیل توسط یک فرد مسلمان، بایستی با ثبت، حفظ، آموزش به دیگران و همینطور یادگیری از دانش دیگران، به اشتراک گذاری و غنی شده و در نهایت با عمل کردن به آن به بهره برداری رسد (تولایی، ۱۳۸۹).

انتشار و تسهیم دانش در اسلام

در اسلام تنها فراگیری علم و دانش مورد تأکید قرار نگرفته است بلکه دین مبین اسلام همواره به دانشمندان و عالمان، بر پراکندن علم و دانش در میان افراد و اجتماعات تأکید و سفارش فراوان نموده است. در اولین آیات نازل شده قرآن کریم؛ « اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ... اَقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْاَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ » ای رسول بخوان بنام پروردگارت که تو را خلق کرد... بخوان و پروردگار تو بهترین کریمان است. آن خدائی که به انسان علم نوشتن به قلم آموخت و به بشر آنچه را نمی دانست تعلیم داد (علق، ۱ - ۵). علاوه بر تأکید بر خواندن پیامبر (ص) دو معنای دیگر را نیز می توان یادآور شد: نخست؛ خداوند، خود، خواندن و نوشتن را که مبدأ و سرچشمه ثبت تمام علوم، فنون و تمدنها است به بشر آموخت. دوم؛ خداوند آنچه را انسان نمی دانست به او آموخت. و در جای دیگر می فرماید "خداوند به آدم همه نشانه ها و حقایق را یاد داد" (بقره: ۴۰). لذا آغاز وحی همراه با حرکتی علمی بود و خداوند خود به انتقال و تسهیم علم خود پرداخت و اسلام بر پایه اولیه علم آموزی و تعلیم بنا شد؛ این آیات اساس و خط مشی فرهنگی دین اسلام را از همان ابتدا ترسیم می نماید، بشر بدون تعلیم از سوی پروردگار متعال در جهالت است و تنها خالق هستی است که به همه خیر و شرها، صلاح و فسادها، سعادت و شقاوت ها و ... عالم و آگاه است و بر او است که آفریده های خود را از جهالت خارج کند و به سوی حق و سعادت رهنمود سازد. بی تردید خداوند متعال

بدون کوچک‌ترین اهمال، هدایت و تعلیم بشر را به بهترین وجه ممکن انجام داده است؛ خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود، انسان را آفرید، و به او بیان را آموخت (الرحمن، ۵۵).

در حدیث ارزشمندی که در قسمت قبل، از پیامبر اکرم نقل شد ایشان فرآیند مدیریت دانش را دارای چهار مرحله؛ کسب دانش (سکوت و گوش فرا دادن)، حفظ دانش، کاربرد دانش و انتشار و تسهیم دانش دانستند. ایشان آخرین مرحله ی مدیریت دانش را، انتشار دانش بیان کردند و این نشان دهنده ی این است که چرخه ی علم جز با انتشار آن کامل نمی گردد و انتشار دانش مهمترین مرحله و در واقع هدف مدیریت دانش است.

در آموزه های اسلامی بجای واژه "تسهیم دانش" از "تعلیم" - به معنی انتقال دادن و یاد دادن- یاد شده است "تعلیم دانش" و "تربیت دینی مردم" بر عهده انبیا و اولیای الهی و دو هدف عمده در سیره ائمه اطهار علیهم السلام بوده است. تعلیم در بُعد تربیتی مسائلی همچون اصول اعتقادی دین و مذهب، احکام و قوانین شرعی و رشد اخلاق مورد توجه بوده است. در زمینه اهداف آموزشی نیز می توان به مسائلی همچون پرورش استعدادها، آموزش علوم گوناگون و خلق آثار علمی تمدن اشاره نمود. ائمه اطهار علیهم السلام برای نیل به این مطلوب از شیوه های گوناگونی همچون ارتباط چهره به چهره، تربیت شاگردان برجسته، املائی مطالب علمی، مناظره و استدلال و... استفاده می کردند. همچنین خداوند هدف بعثت پیامبران را "تعلیم بشر" ذکر کرده است. این امر علاوه بر تأکید بر اهمیت جایگاه علم و علم آموزی، گویای آن است که تعلیم بر انبیاء و آموختن علم بر امت های آنان واجب است. زیرا وقتی که علم آموزی هدف بعثت باشد، اگر پیامبران از این امر کوتاهی کنند، به وظیفه رسالتشان عمل نکرده اند و چنین تقصیری درباره انبیاء محال است زیرا آنان معصوم بوده و ابدأً از انجام رسالت الهی خود کوتاهی نمی کنند. خداوند متعال در آیاتی از قرآن به این امر اشاره می فرماید که رسالت پیامبران و معصومین (ع) چیزی جز تعلیم و انتقال پیام الهی به مردم نیست " بر پیامبر خدا وظیفه ای جز ابلاغ رسالت نیست" (مائده: ۹۹) "بدانید که برعهده پیامبر ما فقط رساندن پیام آشکار است" (مائده: ۹۲) و "او کسی است که در میان مردمی امی، رسولی را از خودشان مبعوث کرد تا آیات وحی الهی را بر آنها بخواند و آنها را تزکیه کند و کتاب و حکمت را به آنها بیاموزد" (جمعه: ۲). همچنین پیامبر اکرم فرمود: من برای تعلیم به رسالت مبعوث شده ام (مجلسی، جلد: ۱). به عبارت دیگر رسالت و مسؤلیت ایشان مبارزه همه جانبه با بی سوادی و ریشه کن کردن جهل عمومی است زیرا خطرناک ترین عامل و مهمترین دشمن که انسان و جامعه را به انحراف و تباهی سوق می دهد جهل و نادانی است (سرمدی، ۱۳۸۸). به عنوان نمونه پیامبر اکرم (ص) بعد از جنگ بدر خطاب به اسیران جنگی فرمود: هر کس از شما با سواد است و بتواند به ده نفر از اطفال مسلمین خواندن و نوشتن بیاموزد، آزاد می شود (سبحانی، ۱۳۸۵: ۸۱).

در آموزه های اسلامی تسهیم و انتقال دانش به دیگران تا اندازه ای دارای اهمیت است که خداوند سبحان پوشیده نگاه داشتن علم و دانش را، نکوهش و خودداری از انتقال و انتشار آن را به دیگران، نهی فرموده است: "خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده پیمان گرفت که حقایق کتاب آسمانی را برای مردم بیان کنید و کتمان نکنید پس آنها عهد خدا را پشت سر انداختند و آیات الهی را به بهایی اندک فروختند و چه بد معامله ای کردند" (آل عمران: ۱۸۷). "آن گروه از علما (اهل کتاب) که آیات و ادله ی واضحی را که برای هدایت خلق فرستادیم پنهان داشتند پس از آنکه برای مردم در کتاب آسمانی بیان کردیم، خدا آنان را لعنت می کند و جن و انس و ملک نیز لعنتشان می کنند" (بقره: ۱۵۹).

نگاهی به تاریخ اسلام نشان می دهد که علاوه بر پیامبر اعظم (ص) که نقش بسزایی در تعلیم و تربیت انسان ها ایفا کرد تمام معصومین (ع) نیز این نقش ارزنده و اساسی را به عهده داشتند که علاوه بر مدیریت دانش، به انتقال و انتشار دانش خود پرداختند. امام هادی (ع) فرمودند: علم و دانش بهترین یادبود برای انتقال به دیگران است، ادب زیباترین نیکی ها است و فکر و اندیشه آیین صاف و تزئین کننده اعمال و برنامه ها است. (نوری طبرسی، ۱۲۸۲: ۱۸۴) همانطور که می دانیم فراموشی انسان آفت حفظ و نگهداری دانش است و قلم و کتابت به عنوان ابزاری برای مستندسازی، نشر و انتقال آن است. از عمده تلاش های رسول خدا (ص)، عرضه قرآن بر صاحبان اذهان پر توان در حفظ آیات مانند امام علی (ع)، ابن عباس و... نیز گماردن باسوادانی از امت به نام کاتبان وحی بوده است؛ قرآن روی چیزهای مختلفی مثل چوب، پوست، استخوان های شانه شتر و گوسفند، همچنین سنگ های ظریف سفید و کاغذ نوشته می شده است این نشانگر اهتمام بر حفظ، انتشار و انتقال دانش است (حجتی،

۱۳۵۸). یکی از تلاش های علمی حضرت علی(ع) نیز نوشتن و جمع آوری احادیث و روایات ارزشمند بود (دشتی، ۱۳۷۹: ۲۹۳). ایشان اولین کسی بود که علم نحو را مطرح و تکمیل و آموزش داد (همان: ۲۹۸). همچنین ایشان یکی از آغازگران نهضت تألیف و تدوین در امت اسلامی بود و اولین کسی بود که تمام قرآن را نیکو نوشت و در یک جلد آن را جمع آوری کرد (همان: ۲۵۹).

امام صادق(ع) فرمود "بنویس و علمت را در میان دوستانت منتشر ساز" (کلینی، ۱۳۴۸: ۶۷). نشر و گسترش علم و آموزش دادن آن به دیگران، از جایگاه بالایی برخوردار است، چرا که به فرموده حضرت علی(ع) "نشر و گسترش علم، زکات آن محسوب می شود و بر هر فردی لازم است". "مباحثه کردن مانند جهاد در راه خدا است" پیامبر اکرم(ص) نیز در اهمیت و ضرورت تسهیم و انتقال دانش می فرماید: زمانی که در امت بدعت ها هویدا گشت بر عالم است که علم خویش را آشکار کند، هر که نکند لعنت خدا بر او باد" (همان: ۷۰). و در جای دیگری بیان می کنند که "به برادران مؤمنان بوسیله ی دانشی که او را ارشاد و راهنمایی کند صدقه بدهید". انگیزه دادن به افراد برای اشتراک دانش خود در قالب ضمنی و عینی، در موقعیت مدیریت دانش دارای اهمیت زیادی است (دوپلیس، ۱۳۸۷) "چرا که چالش اصلی در تسهیم دانش نداشتن اعتماد به دیگران و فقدان انگیزه کافی در کارکنان است و این احادیث می تواند در یک فرد مسلمان، انگیزه کافی برای به اشتراک گذاشتن علم خویش با دیگران ایجاد کند؛ تعلیم دانش به افراد لایق باعث نزدیک شدن به خداوند است". "هر کس علمی را به کسی بیاموزد تا روز قیامت در ثواب همه ی کسانی که به آن عمل می کنند شریک خواهد بود". "ای عالمان سزاوار نیست که نسبت به آنچه بدان آگاهی دارید ساکت بمانید و آن را برای جاهلان آن موضوع، بیان نکنید و ای جاهلان شایسته نیست نسبت به مجهولات خود سکوت کنید و از آن سؤال نکنید تا برایتان معلوم گردد" (دشتی، ۱۳۸۶: ۶۷۲). در بهره مندی متقابل یادگیرنده و یاددهنده و ایجاد انگیزه برای انتقال دانش نیز احادیثی بیان شده است: "عالم و متعلم در اجر و ثواب با هم شریکند". امام باقر (ع) فرمود "از دانشمندان دانش آموزید و آنرا به برادران دینی خود بیاموزید چنانکه دانشمندان به شما آموختند" (کلینی، ۱۳۴۸: ۵۱).

انتشار علم، افزون بر تقویت و پاک سازی علم، موجب تزکیه و تقویت عقل نیز می شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید یاری کننده ترین چیز بر تزکیه عقل، آموزش دادن است. تزکیه به معنای پاکیزگی و افزایش است و آموزش مؤثرترین عامل در تصفیه و پاکیزگی یا افزایش عقل است (حسینی زاده، ۱۳۸۹). پیامبر اعظم (ص) می فرماید: "علم آموزی بر هر مسلمانی واجب است" (کلینی، ص: ۳). چنین تأکیدی بر آموزش علم در حد فریضه ای دینی، نشانگر اهتمام ویژه اسلام به انتشار علم و دانش و زدودن جهل و نادانی از مردم است. علاوه بر این تمام معصومین و بزرگان دین اسلام در روایات متعدد بر این امر تأکید کرده اند که عالمان و دانشمندان به انتشار علم خود و در واقع انفاق آن بپردازند و از انتشار و تعلیم دانش به معروف بزرگ و صدقه یاد شده است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "برترین صدقه ها این است که انسان علمی را بیاموزد و آن را به برادر دینی خود بیاموزاند" و افزون بر این، می توان گفت: چون هدف از خلقت انسان، تربیت او در راستای معرفت و عبودیت است و تربیت، عبادت و معرفت بدون تعلیم، نه معنی دارد و نه ممکن است، پس تأمین هدف خلقت، بر آموزش و انتقال علم استوار است و آموزش، در متن و معنای تربیتی نهفته است و اهمیت آن کمتر از اهمیت تربیت، عبادت و معرفت نیست. آموزش دادن، موجب تصحیح و تقویت دانش در ذهن آموزش دهنده نیز می شود.

حضرت علی علیه السلام در وصیت خود به کمیل بن زیاد، می فرماید: مال با هزینه و خرج کردن از بین می رود و تمام می شود، در حالی که علم، با انفاق و آموختن به دیگری، پاک و تصفیه می شود و ناخالصی ها و اشتباهات آن برطرف می شود. این اصلاح از دو جهت می تواند انجام پذیرد: اول آن که عالم با آموزش علم خود به دیگران، مروری دوباره بر آموزه های خود دارد و عیب های آن را در می یابد و چه بسا زوایای دیگری از آن برایش کشف و روشن می شود؛ دوم آن که وقتی علم به دیگران منتقل شد، آنان نیز در آن دقت کرده یا با سوال هایی که در برابر آن مطرح می کنند و کوششی که برای فهم و تدبیر در آن به کار می گیرند، تصحیح و پیشرفت آن را سرعت می بخشند، افزون بر آن، زمینه ی تأمل بیشتر مربی را فراهم کرده، سبب رشد و ارتقای او و دانشش می شوند.

بحث و نتیجه گیری

در محیط پویا و پیچیده امروز برای سازمانها ضروری است که به طور مداوم دانش جدید را ایجاد، اعتباربخشی و در محصولات و خدمات خود به کارگیرند. و راز موفقیت سازمانها در قرن ۲۱ مدیریت دانش است. مدیریت دانش به مجموعه ای از فعالیت های سازمانی گفته می شود که در راستای خلق، کسب و توزیع دانسته ها و ارتقای به اشتراک گذاری دانش در داخل سازمان و محیط پیرامون آن انجام می شود. همچنین می توان مدیریت دانش را «جمع آوری دانش موجود و در دسترس قرار دادن آن به نحوی که همه کسانی که می توانند، بهترین استفاده را از آن در سازمان به عمل آورند» خواند. در واقع مدیریت دانش شامل مراحل خلق و کسب دانش، حفظ دانش، تسهیم دانش و کاربرد دانش است. همانطور که اشاره شد تسهیم دانش یکی از مهمترین مراحل فرآیند مدیریت دانش است و با اشتراک دانش است که این فرآیند تکمیل می گردد. و لازمه ی انتشار دانش این است که دانش ضمنی افراد به دانش صریح تبدیل شود و دانش موجود ثبت و حفظ شود و زمینه انتشار آن فراهم گردد. تقاضا کردن از افراد برای تبدیل دانش ضمنی به دانش عینی فرآیند بسیار دشواری است بسیاری از افراد هنوز به نظریه؛ دانش، قدرت است معتقد بوده و اغلب نمی خواهند آن را کنار بگذارند. به همین دلیل افراد برای به اشتراک گذاشتن دانش خود نیازمند انگیزه زیادی هستند به بیان دیگر اساسی ترین چالش مدیریت دانش، اشتراک دانش است نه تولید دانش. دانشی که اشاعه داده نشود ارزش بسیار محدودی برای سازمان دارد. همین اصل در خصوص سازمان های اسلامی نیز صادق است؛ لذا با رویکردی اسلامی و به روش شناسی قرآن می توان جامعه دانشی و سازمان هایی را بر اساس مدیریت دانش شکل داد و انگیزه ی لازم برای به اشتراک گذاری دانش را در کارکنان سازمان ها ایجاد نمود. همانطور که بیان شد دین اسلام، دانش بنیان است و لازمه تحقق هدف غایی از آفرینش و کمال انسان جز با علم و دانشی متصل به منبع الهی و قدسی میسر نمی شود. زمانی که انسان قادر به مدیریت دانش بر مبنای ساختاری بشود که دین اسلام سفارش کرده است، قادر به درک هستی خواهد بود. در این راستا و در دیدگاه کلان، حضور مدیر دانشی ارشد اسلامی برای رهبری، نظارت و کنترل با واسطه و بی واسطه دانش، ضروری است تا جامعه و یا سازمان از مسیر صحیح و درست خود خارج نگردد و روز بروز پیشرفت کند و بتواند در محیط متغیر امروزه بقا و دوام خود را حفظ کند. از جمله نکاتی که در مورد اهمیت فوق العاده علم و دانش و انتقال و انتشار آن از دیدگاه دین مبین اسلام اثبات می شود، این است که فراگیری دانش و انتقال و آموزش آن به دیگران از محوری ترین برنامه های فردی و اجتماعی این مکتب الهی به شمار می رود و نگاهی به آیات و روایات و تاریخ اسلام نشان می دهد که خداوند اولین تعلیم دهنده و پیامبر اکرم (ص) اولین دانش آموز محسوب می شود و تعلیم و تعلم اساس دین اسلام است. پیامبر اکرم انتشار دانش را مرحله چهارم و آخرین مرحله ی مدیریت دانش دانستند، به نظر ایشان چرخه ی علم با انتقال آن کامل می گردد و بدون آن بی ثمر و بی فایده است. همچنین تمام مستندات دینی و آموزه های اسلامی که امروزه در دسترس ما قرار دارند خود گواه این امر است که تمام معصومین این نقش ارزنده و اساسی را به عهده داشتند و علاوه بر تأکید بر اهمیت علم و دانش به انتقال و انتشار دانش خود پرداختند و توصیه کردند که عالمان و دانشمندان به انتشار علم خود و در واقع به انفاق آن بپردازند. انتشار و انتقال علم در روایات اسلامی نوعی زکات و صدقه ی علم محسوب می شود. پیامبر اکرم (ص) فرموده است "از انواع صدقه این است که مسلمان دانش بیاموزد و آن را به مردم بیاموزد" افزون بر این علم و دانش نزد فرد نوعی امانت محسوب می شود که با آموزش علم خود به دیگران می تواند امانت داری کند چرا که رسول خدا (ص) فرمودند "در یاددهی و یادگیری به یکدیگر کمک کنید زیرا خیانت در علم بدتر از خیانت در مال است". انتقال و انتشار علم علاوه بر داشتن بهره ی معنوی دارای فایده ی مادی نیز می باشد چرا که به فرموده ی حضرت علی آموزش علم خود به دیگران مؤثرترین عامل در تصفیه و تزکیه و افزایش عقل است.

تمام آیات و روایات ذکر شده بر این مهم تأکید دارند که انتشار علم بر هر عالمی لازم است. البته در دانش هایی که به بصیرت و آگاهی و هدایت مربوط می شود، نشر آن لازم تر و کتمان علم بدتر است؛ پیامبر اکرم (ص) فرموده است "هر کس علمی را که خدا مایه نفع مردم قرار داده است چه در امر مردم و چه در امر دین کتمان کند در روز قیامت به لجام های آتشین دچار می شود" و به فرموده حضرت علی (ع) نافع بودن علم مشروط به تعلیم و انتقال آن است. آنچه از بررسی آموزه های اسلامی حاصل می شود این است که هر کس به هر اندازه و در هر زمینه ای که از علم و دانش برخوردار است، چه در سطح سازمان و چه در سطح جامعه باید آن را به دیگران منتقل کند و به انتقال و انتشار آن بپردازد.

مراجع فارسی

- [۱] قرآن کریم، قم: دهقانی
- [۲] احمد پور داریانی، محمود (۱۳۸۱)؛ کارآفرینی (تعاریف، نظریات، الگوها)، تهران: مؤلف.
- [۳] اخوان، پیمان؛ جودی، الهام (۱۳۹۱)؛ گام های عملیاتی مدیریت دانش: نقشه های دانش، تهران: آتی نگر.
- [۴] اخوان، پیمان؛ خادم الحسینی، سیدپیمان (۱۳۹۲)؛ «تبیین مدیریت دانش از دیدگاه اسلام»، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۱، شماره ۲.
- [۵] تولایی، روح اله (۱۳۸۹)؛ «بررسی مفهوم دانش در منابع اسلامی»، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه امام صادق (ع)، قابل دسترسی در www.system.parsiblog.com
- [۶] حجتی، محمدباقر (۱۳۵۸)؛ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران: فرهنگ اسلامی.
- [۷] حسینی زاده، سیدعلی (۱۳۸۹)؛ اهمیت و جایگاه آموزش دینی، تهران: شمیم معرفت.
- [۸] دشتی، محمد (۱۳۷۹)؛ امام (ع) و علم و هنر، قم: موسسه.
- [۹] دشتی، محمد؛ جمعی از محققین (۱۳۸۶)؛ فرهنگ سخنان پیامبر اعظم (ص)، قم: موسسه فرهنگی تحقیق اتی امیر المومنین (ع).
- [۱۰] دشتی، محمد (۱۳۷۹)؛ ترجمه نهج البلاغه، تهران: مؤسسه فرهنگی نشر رامین.
- [۱۱] دوپلیس، مارینا؛ عباسی، زهره (۱۳۸۷)؛ تاثیر فرهنگ سازمانی بر مدیریت دانش، ناشر: محقق قابل دسترس در ganjinehketab.com
- [۱۲] سبحانی نژاد، مهدی؛ علین، حمید (۱۳۸۵)؛ «در آمدی بر ابعاد و زمینه های تربیت در صحیفه سجاده»، مشکوه، شماره ۹۱، ۷۷-۹۳.
- [۱۳] سرمدی، محمدرضا؛ صیف، محمدحسن؛ فرج اللهی، مهران (۱۳۸۸)؛ مدیریت فرآیند آموزش، تهران: طلوع.
- [۱۴] کشاورزی، علی حسین؛ یکتایی، محمد رضا (۱۳۹۱)؛ «رفع موانع تسهیم دانش در سازمان بر پایه آموزه های اسلامی»، مدیریت در دانشگاه اسلامی، سال اول، شماره ۲.
- [۱۵] کلینی، ثقة الاسلام شیخ ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۴۸)؛ الاصول الکافی، جواد مصطفوی، تهران: فرهنگ اهل البیت.
- [۱۶] مارتسون، ماریا (۱۳۷۹)؛ بررسی نقادانه مدیریت دانش به عنوان ابزاری مدیریتی، منصور مجدم، ماهنامه تدبیر، شماره ۳۸، ۱۱۰-۴۵.
- [۱۷] میرغفوری، سید حبیب الله؛ صادقی آرنی، زهرا (۱۳۸۹)؛ «بررسی و ارزیابی کارایی کتابخانه ها در به کارگیری مدیریت دانش و نوآوری به منظور بهبود کیفیت خدمات با استفاده از مدل DEA دو مرحله ای مطالعه موردی کتابخانه های عمومی و دانشگاهی شهرستان یزد»، کتابداری و اطلاع رسانی (علمی-پژوهشی)، شماره ۴۹، ۱۷۵-۲۰۴.
- [۱۸] نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۲۸۲)؛ مستدرک الوسائل، جلد ۱۱.

مراجع انگلیسی

- [1] Hsu C. Knowledge (2008). *sharing practices as a facilitating factor for improving organizational performance though human capita Preliminary test: Export Systems with Applications*; 35:1316-1326.

- [2] *Ji L-M., Hung J., Chen S-W., Jou C. (2009). Fostering the determinants of knowledge sharing, virtual communities. Computers in Human Behavior; 929–939.*
- [3] *Lee, J. N. (2001). The impact of knowledge sharing, organizational capability and partnership quality on IS outsourcing success", Information and Management, Vol. 38 No. 5, pp. 323-35.*
- [4] *McAdam, R. and McCreedy, S.(1999). A critical review of knowledge management models, The Learning Organization, Vol.6, No.3, pp.91-100*
- [5] *Nonaka, I. & Takeuchi, H. (1995). The Knowledge–Creating Company: How Japanese Companies Create the Dynamics of Innovation? , New York, Oxford University press*
- [6] *O'Dell, C. and Grayson, C.J. (1998). If only we knew what we know: identification and transfer of internal best practices, California Management Review, Vol. 40 No. 3, pp. 154-74.*
- [7] *Renzl B.(2008.) Trust in management and knowledge sharing: The mediating effects of fear and knowledge documentation; 36: 206-220.*
- [8] *Wulff Gunilla .W (2007). Utilization of Information Resources for Business Success: The Knowledge Sharing Model (Åbo Akademi University, Finland) Vol. 20pp 22*